

به نام خدا

درباره برنامه پنجم توسعه

۲۵. حقوق شهروندی و ارتقای آن در برنامه پنجم توسعه کشور

(ویرایش دوم)

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	حقوق شهروندی
۶.....	حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۷.....	حقوق شهروندی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴
۱۸.....	حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم توسعه
۲۰.....	حقوق شهروندی در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری ...
۲۱.....	موانع اجرای حقوق شهروندی در ایران
۲۶.....	راهکارهای رفع موانع احقاق حقوق شهروندی
۳۲.....	نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای احیای حقوق شهروندی در برنامه پنجم توسعه کشور
۳۵.....	پی‌نوشت‌ها
۳۶.....	منابع و مأخذ



۲۵. حقوق شهروندی و ارتقای آن در برنامه پنجم توسعه کشور (ویرایش دوم)

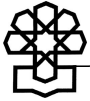
چکیده

یکی از حقوق مطرح در زیرمجموعه علم حقوق، حقوق شهروندی است که در آن پیرامون مجموعه حقوقی که شهروندان یک شهر یا کشور دارند و دولت موظف به رعایت آنهاست، بحث می‌شود.

حقوق شهروندی در همین حال از مقولات مهمی است که در قانون اساسی کشور ما نیز به آن پرداخته شده است. قوانین مربوط به حقوق شهروندی در قانون اساسی را می‌توان به سه دسته اساسی تقسیم کرد که عبارتند از:

- حقوق سیاسی - اجتماعی و فرهنگی،
- حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی،
- حقوق قضایی.

هرچند برای احقاق حقوق شهروندی در سطح جامعه اقدامات قابل توجهی صورت گرفته است، ولی برای احقاق کامل این حقوق، رفع برخی موانع موجود ضرورت دارد. در این گزارش پس از بیان مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی، به بیان برخی موانع موجود در جهت تحقق کامل آنها پرداخته شده و پس از آن از راهکارهایی برای ارتقای حقوق شهروندی در برنامه پنجم توسعه کشور توصیه شده است.



مقدمه

حقوق، مجموعه قواعد و مقررات لازم‌الاجرای است که بر روابط افراد یک جامعه حاکمیت می‌یابد. آنجا که حقوق از روابط افراد صحبت می‌کند، حقوق فردی یا حقوق خصوصی و هر جا که از روابط اجتماعی و به عبارتی روابط افراد با دولت سخن به میان می‌آورد، حقوق عمومی نامیده می‌شود. در این میان، حقوق اساسی به‌عنوان شاخه اصلی حقوق عمومی، شامل یک سلسله اصول و قواعدی است که اساس تشکیلات عالی مملکتی مبتنی بر آن است و در حدود روابط بنیادین میان مردم و حکومت بحث می‌کند. طبعاً افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، دارای هر دو قسم حقوق فردی و عمومی هستند که اطلاق حقوق شهروندی بر این دو دسته حقوق می‌تواند در برگزیده مفاهیم موجود در هر دو دسته باشد. از همین جا مشخص می‌شود که در یک نگاه کلان، حقوق شهروندی حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حیث موضوع حقوقی چون حقوق اساسی، حقوق سیاسی، حقوق اداری، حقوق اقتصادی، حقوق فرهنگی و حقوق قضایی را شامل می‌شود.^(۱)

اهمیت حقوق شهروندی تا به حدی است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می‌کند. چنان‌که برخی از کارشناسان اعتقاد دارند جامعه‌ای که در آن حقوق شهروندان نهادینه نشده باشد،^(۲) رابطه مردم و حاکمیت غالباً دچار تزلزل می‌شود. به بیان دیگر در جوامعی که افراد به حقوق و تکالیف خود آگاهی داشته باشند و حریم یکدیگر را رعایت کنند، آن جوامع از استحکام، ثبات و مشروعیت بیشتری برخوردار



خواهند بود. البته در جوامعی که حاکمان نماینده واقعی مردم باشند و مسئولان با شایستگی و لیاقت بر مسند قدرت تکیه زده باشند در راه تبیین و رعایت حقوق شهروندان گام برخواهند داشت و در غیر این صورت است که توجهی به این امر مهم نخواهند کرد.

حقوق شهروندی

واژه «شهروند» در فرهنگ فارسی امروز چنین تعریف شده است: «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد».^(۳)

شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت رابطه شهروندی گویند که چگونگی آن را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. اساساً کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها تابع فرمان دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولاً تابع موارد زیر است: یکی زادگاه و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز به دست می‌آید. اما این‌گونه شهروندی معمولاً همه حقوق شهروندی [از جمله حق کسب مشاغل دولتی] را با خود نمی‌آورد.^(۴)

برخی از حقوق‌دانان در این باره گفته‌اند: «کلیه افرادی که در محدوده جغرافیایی یک کشور زندگی می‌کنند و نیز افرادی که به‌عنوان تبعه در خارج از مرزهای آن



کشور (جامعه) زیست می‌نمایند، شهروند تلقی می‌شود. در این زمینه تابعیت یک رابطه صرفاً سیاسی است که فردی را به دولتی مرتبط می‌سازد، به طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود.^(۵)

در مفهوم «شهروندی»، همزمان حقوق و تکالیفی متناسب برای هریک از شهروندان در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس شهروندی در عین حال که مجموعه حقوقی را برای شهروندان معین می‌کند و آنها را بدون استثنا بهره‌مند از این حقوق می‌داند، تکالیفی نیز برای آنها متصور می‌شود که باید به آنها پردازند. از دیگر سو این حقوق و تکالیف، لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ‌یک را نمی‌توان بدون دیگری تصور کرد. اساساً شهروند امروز کسی است که وظایفش، حقوقش را معین می‌کند و به همین سبب شهروند مطلوب شهروندی است که مسئولانه رفتار کند، یعنی در برابر حقوقش مسئولیت‌پذیر باشد.^(۶)

بر این اساس «حقوق شهروندی»، حقوقی است که با اجرای آن، سلامت جسمی، روحی، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان تأمین [شده] و ارتقا می‌یابد و شامل حقوق شخصی و فردی، اجتماعی و مدنی، مذهبی و اعتقادی، سیاسی و قضایی است.^(۷) اصل محوری حقوق شهروندی، برخورداری از حمایت قانونی و تساوی افراد در همه ابعاد حقوقی اساسی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلام است.

- ویژگی‌های حقوق شهروندی

الف) هدیه‌ای الهی است و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات مذهبی این حق



را اعطا نمی‌کنند.

(ب) غیرقابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست.

(ج) همگانی و جهانی است، زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد بشر در هر کجا که باشد و از هر نژاد، زبان، جنس یا دین که باشد، دارای این حقوق است.

(د) نمی‌توان به خاطر تشخیص در «کم‌اهمیت بودن» یا «عدم ضرورت»، آن را از کسی سلب کرد.

(ه) حقوق ذاتی و فطری انسان‌هاست و از آنها به صفات شخصیتی انسان تعبیر می‌شود و به هیچ قرارداد و وضعی وابسته نیست.^(۸)

- مصادیق حقوق شهروندی

صاحب‌نظران از سه نوع حق متمایز در حقوق شهروندی سخن به بیان آوردند:

الف) حقوق مدنی: به حقوق فرد در قانون اطلاق می‌شود. این حقوق شامل امتیازاتی است که بسیاری از ما امروز آن را بدیهی می‌دانیم اما به‌دست آوردن آنها زمانی دراز طول کشیده است. حقوق مدنی شامل آزادی افراد برای زندگی آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت، حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.

ب) حقوق سیاسی: به‌ویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن مطابق قانون.
ج) حقوق اجتماعی: این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود که شامل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد است. به‌عبارت دیگر حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود.^(۹)



حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد و اعتقاد به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (بند «۶» اصل دوم (۲) قانون اساسی) دارد، حکومت باید شرایطی را به‌وجود آورد تا در آن حقوق همه جانبه افراد تأمین شود. در همین راستا، حقوقی در قانون اساسی طرح شده که به‌عنوان حقوق شهروندی شناخته می‌شوند. این حقوق را می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر بیان کرد:

الف) حقوق سیاسی - اجتماعی و فرهنگی شهروندان

۱. حق حاکمیت (حق اعمال اراده و اختیار در پذیرش حکومت و تعیین سرنوشت)

در حقوق اساسی ایران به تصریح اصل ششم (۶) قانون اساسی، امور کشور باید از طریق مراجعه به آرای عمومی اداره شود و این اراده، «... از راه انتخابات، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و... یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد»، اعمال می‌شود. بدین ترتیب، همه امور کشور چه از طریق رأی مستقیم و چه از راه غیرمستقیم، به اراده ملت بستگی دارد و حق وی در این مورد استثنای پذیر نیست، پس نمی‌توان به هیچ روشی این حق مردم را محدود کرد و تقیید و محدودیت آن، صراحتاً با مبانی حکومت اسلامی اصل سوم



قانون اساسی در تعارض است،^(۱۰) طبق این اصل: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.

برای این منظور دولت طبق بندهای «۶»، «۷» و «۸» اصل سوم (۳) قانون اساسی موظف است به: «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»، «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و ایجاد شرایط مناسب جهت «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش». به‌طور خلاصه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای شهروندان.

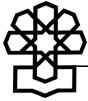
۲. مساوات در برخورداری از حقوق

طبق اصل نوزدهم (۱۹) قانون اساسی، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». بنابراین تبعیض در حقوق بر مبنای نژاد، قومیت و زبان نفی شده است.

۳. حق مساوات در حمایت شدن از طرف قانون

بر اساس اصل بیستم (۲۰) قانون اساسی، «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

یکی از سیاست‌های اساسی دولت در این رابطه رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌باشد (بند «۹» اصل



سوم (۳) قانون اساسی)، در انتهای اصل بیستم (۲۰) قانون اساسی، این تساوی حقوق مقید به رعایت موازین اسلام شده است و منظور آن، رعایت قوانین فقهی در چگونگی تساوی حقوق انسان‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان و زن و مرد است، چراکه در بعضی موارد که در قوانین عادی درج شده، غیرمسلمانان در حالت تساوی با مسلمانان قرار ندارند (مثل قتل عمدی غیرمسلمان به دست مسلمان) یا اینکه در اموری مثل ارث، سهم دختر نصف سهم پسر است. ولی از این قید مختصر که بگذریم، عموم و اطلاق اصل بیستم (۲۰) قانون اساسی شامل همه افراد ملت خواهد بود.^(۱۱)

۴. حق امنیت

هر انسانی حق دارد در هر جا که زندگی می‌کند از امنیت کافی برخوردار باشد. چراکه بدون وجود امنیت جانی و مالی و... شکوفایی و رشد استعدادهای انسانی ممکن نیست و یکی از نعمت‌های مهم الهی، همین امنیت است. به همین دلیل در اصل بیست و دوم (۲۲) قانون اساسی، آمده است که: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند».^(۱۲)

از متفرعات حق برخورداری از امنیت، مصون بودن نامه‌ها، مکالمات تلفنی و... از هرگونه استراق سمع، سانسور، عدم مخابره و نرساندن به مقصد است. چنان‌که در اصل بیست و پنجم (۲۵) قانون اساسی بر آن تأکید شده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». بنابراین قانونگذار مطلق تجسس در امور دیگران را (جز مواردی



که قانون مجاز دانسته و برای رعایت مصلحت برتر است) ممنوع کرده است.

۵. حق آزادی

طبق اصل نهم (۹) قانون اساسی، «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است ... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

از جمله آزادی‌هایی که در قانون اساسی به آنها اشاره شده عبارتند از:

- آزادی عقیده

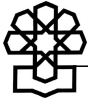
طبق اصل بیست‌وسوم (۲۳) قانون اساسی، «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

- آزادی مطبوعات

طبق اصل بیست‌وچهارم (۲۴) قانون اساسی، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

- آزادی احزاب

طبق اصل بیست‌وششم (۲۶) قانون اساسی، «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، آزادند مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».



- آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها

به موجب اصل بیست‌وهفتم (۲۷) قانون اساسی، «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است».

- آزادی استفاده از زبان‌های محلی و قومی و تدریس ادبیات آنها

مطابق اصل پانزدهم (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است».

۶. حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان

چون آموزش و پرورش نقش مهمی در تکامل معنوی و مادی انسان و نیز کشور دارد، اهتمام خاص به آن شده است. براساس اصل سی‌ام (۳۰) قانون اساسی، «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». به‌علاوه طبق بندهای «۱»، «۲»، «۳» و «۴» اصل سوم (۳) قانون اساسی موظف است به:

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و...

- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از

مطبوعات، رسانه‌های گروهی و...

- فراهم نمودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام

سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی،



- «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان».

۷. حق تابعیت

طبق اصل چهارم و یکم (۴۱) قانون اساسی، «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید».

۸. حق اقامت

مطابق اصل سی و سوم (۳۳) قانون اساسی، «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد».

(ب) حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی

طبق بند «۱۲» اصل سوم (۳) قانون اساسی، دولت موظف به «پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه»، می‌باشد. در این زمینه می‌توان به حقوق زیر اشاره کرد:

- حق انتخاب شغل

طبق اصل بیست و هشتم (۲۸) قانون اساسی، «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف



است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به‌کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

- مصونیت مالکیت خصوصی و شغل افراد

طبق اصل چهارم و ششم (۴۶) قانون اساسی، «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». همچنین براساس اصل چهارم و هفتم (۴۷) قانون اساسی، «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند».

- حق داشتن مسکن مناسب

براساس اصل سی و یکم (۳۱) قانون اساسی، داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».

- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه

مطابق اصل بیست و نهم (۲۹) قانون اساسی، «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و... حقی است همگانی».

(ج) حقوق قضایی

هدف اصلی حقوق قضایی شهروندان، ایجاد امنیت قضایی برای اعضای جامعه است.^(۱۳) طبق بند «۱۴» اصل سوم (۳) قانون اساسی، دولت موظف به «تأمین حقوق

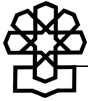


همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» شده است. از جمله حقوق قضایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تعقیب قانونی

طبق اصل سی‌ودوم (۳۲) قانون اساسی، هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست‌و‌چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

بنابراین، زندانی کردن موقت یا دائم افراد، بدون دلیل خلاف قانون است و چنانچه فردی متهم به ارتکاب جرمی شود، مقام قضایی صالح حق دارد او را احضار کرده و در صورت اینکه بیم فرار وی می‌رود، او را موقتاً بازداشت کند و در این صورت هم، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست‌و‌چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال شود و مقام قضایی نیز مکلف است مقدمات محاکمه را در اسرع وقت فراهم کند. پس زندانی کردن افراد بی‌گناه بدون اینکه مدارکی راجع به مجرمیت آنها وجود داشته باشد، جرم بوده و طبق قانون، فرد مرتکب در هر مقامی که باشد، مجازات خواهد شد. نه تنها زندانی کردن، بلکه مجازات مجرم نیز باید به حکم قانون و به‌دست دادگاه صالح باشد (طبق اصل سی‌وششم (۳۶) قانون اساسی). بنابراین، جز مقام قضایی صالح که قانون او را بدین سمت گمارده، هیچ‌کس حق ندارد مجرمی را مجازات کند و اگر چنین کند، علاوه‌بر مجازات، باید خسارت مادی و معنوی زیان‌دیده



را هم بدهد.^(۱۴)

- اصل برائت

اصل بر این است که هیچ‌کس مرتکب گناه و جرم نشده است. چنانچه در اصل سی‌وهفتم (۳۷) قانون اساسی آمده است: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». بنابراین همه مردم بی‌گناه فرض می‌شوند و متهم کردن افراد بدون اینکه جرمی برای آنها ثابت شده باشد، عملی خلاف قانون و قابل پیگیری است.

- حفظ حرمت و حیثیت اشخاص

طبق اصل سی‌ونهم (۳۹) قانون اساسی، «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع بوده و موجب مجازات است.»

- حق مصونیت جان و مال

طبق اصل بیست‌ودوم (۲۲) قانون اساسی، «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

- ممنوعیت اضرار به دیگران

مطابق اصل چهلم (۴۰) قانون اساسی «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»



- حق دادخواهی

طبق اصل سی و چهارم (۳۴) قانون اساسی، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد».

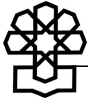
- حق انتخاب وکیل

مردم می‌توانند شخصاً برای دادخواهی به دادگاه‌ها مراجعه کنند، ولی در عین حال از آنجا که امر دادرسی نیازمند توانایی‌های علمی و فنی خاص است که از عهده هرکس بر نمی‌آید، هریک از اصحاب دعوا، حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اقدام وکیل به منزله اقدام خود آنان است و هیچ‌کس و هیچ مقامی حق ندارد مردم را از انتخاب وکیل منع کند و حتی دولت مکلف است اگر مردم، توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم کند. چنان‌که در اصل سی و پنجم (۳۵) قانون اساسی آمده است: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

در قوانین دادرسی کیفری در پاره‌ای از موارد مثل جرائمی که مجازات آنها، اعدام یا قصاص است، برای متهم، وکیل تسخیری تعیین می‌کنند و دستمزد او را هم از بودجه دولت پرداخت می‌کنند.^(۱۵)

- حق شکایت از طرز کار قوای سه‌گانه

طبق اصل نودم (۹۰) قانون اساسی، «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه



یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی بدهد و...» همچنین طبق اصل یک‌صد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی مردم می‌توانند شکایات خود را از واحدهای دولتی به دیوان عدالت اداری تقدیم کنند، به‌علاوه طبق اصل هشتم (۸) قانون اساسی «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند». طبق این اصل مردم می‌توانند بر عملکرد قوای سه‌گانه نظارت داشته باشند.

- ممنوعیت شکنجه

مطابق اصل سی و هشتم (۳۸) قانون اساسی، «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

- علنی بودن محاکمات

طبق اصل یک‌صد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی، «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

علاوه بر قانون اساسی، در سند چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه به موارد



متعددی از حقوق شهروندی اشاره و بر لزوم اجرای آن تأکید شده است. براساس ماده (۱۰۰) برنامه چهارم توسعه دولت موظف شد به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسل فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن و...، منشور حقوق شهروندی را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و تصویب نماید: تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد، تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان، ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه و...

حقوق شهروندی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

مطابق سند چشم‌انداز، جامعه در افق بیست‌ساله باید به سوی جامعه‌ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی حرکت کند و با اتکا بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و با تأکید بر:

- مردم‌سالاری دینی،

- عدالت اجتماعی،

- آزادی‌های مشروع،

- حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها،

- بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.

فرد ایرانی در سال ۱۴۰۴ باید فردی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن،



رضایتمند و برخوردار از امکانات زیر باشد:

الف) رفاه ملی (که مصادیق آن عبارتند از: سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی و فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب).

ب) امنیت ملی (امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت).

ج) تولید ملی (برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی).

حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم توسعه

طبق قانون برنامه چهارم توسعه که از تاریخ اول فروردین ۱۳۸۴ لازم‌الاجرا بوده است عبارتند از:

ماده (۱۰۰)

دولت موظف است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن و... و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، «منشور حقوق شهروندی» را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط برساند:



الف) پرورش عمومی قانونمداری و رشد فرهنگ، نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی.

ب) تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن.

ج) هدایت فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی به سمت فرایندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی.

د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان.

هـ) ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگی ملی.

و) حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد.

ز) ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه.

علاوه بر موارد مذکور در ماده‌های دیگر نیز به برخی از حقوق شهروندی پرداخته شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در ماده‌های (۸۴)، (۸۶) و (۹۰)، دولت موظف به ارتقای سلامت و بهداشت (جسمی و روانی) افراد و بهبود کیفیت زندگی افراد شده است.

- در ماده‌های (۹۵)، (۹۶) و (۹۸)، دولت مکلف به ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی شده است (از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌ها و ...، استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی، تقویت مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیردولتی، شوراهای اسلامی، مؤسسات خیریه و ...).



حقوق شهروندی در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری

در چند بند از سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه که در دی‌ماه ۱۳۸۷ توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در نامه‌ای به رئیس‌جمهور ابلاغ شد، به حقوق شهروندی اشاره شده است که عبارتند از:

بند «۳۹» - حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت.

بند «۳۶» - تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی.

بند «۱۹» - تأکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه‌جانبه با توجه به: ارتقای

شاخص‌های سلامت هوا، امنیت غذا، محیط و بهداشت روحی و جسمی، کاهش مخاطرات و آلودگی‌های تهدیدکننده سلامت، اصلاح الگوی تغذیه جامعه و ...).

بند «۲۰» - ارتقای امنیت اجتماعی.

همان‌طور که مشاهده شد حقوق شهروندی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز

بیان شده و در برنامه چهارم توسعه نیز به برخی از آنها تأکید شده است. با وجود این هنوز در جامعه اجرای حقوق شهروندی با مشکلات جدی مواجه است.

با توجه به آنچه آمد، دولت موظف به شاخص‌سازی و عملیاتی کردن حقوق

شهروندی است، لذا ضرورت دارد در شاخص‌سازی و معین کردن مصادیق حقوق شهروندی و راهکارهای اجرای آنها، توجه ویژه‌ای صورت پذیرد و جامع‌تر و کامل‌تر از برنامه چهارم توسعه به این مهم پرداخته شده و در جهت رفع نقایص و موانع



موجود اقدامات لازم به عمل آید.

موانع اجرای حقوق شهروندی در ایران

۱. ابهامات موجود در قوانین مربوط به حقوق شهروندی

با مرور اصول قانون اساسی و حقوق شهروندان می‌توان سه دسته اصول را از یکدیگر متمایز ساخت:

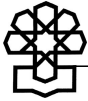
دسته اول: مجموعه اصولی هستند که بدون هیچ‌گونه قید و شرط به‌عنوان «حق» اعضای جامعه مورد تأکید واقع شده‌اند. ۱۶ اصل از قانون اساسی در این دسته قرار می‌گیرند، مانند: حق داشتن مسکن، تأمین امنیت قضایی عادلانه شهروندان و ...

موانع اصلی عدم تحقق بیشتر اصول مذکور عبارت‌اند از:

۱. هیچ‌گونه پیش‌بینی لازم برای برخورد قانونی با اشخاص و دستگاه‌هایی که از اجرای این اصول ممانعت به عمل می‌آورند، صورت نگرفته است.

۲. تفسیر واژه‌ها و اصطلاحات به‌کار رفته در قوانین از موانع دیگر است که در عمل حتی دایره‌های جدیدی از قوانین را باز می‌کند. نمونه بارز این موضوع، آموزش و پرورش رایگان و ایجاد مدارس غیرانتفاعی در جامعه است.^(۱۶)

دسته دوم: شامل مجموعه اصولی است که در متن آنها قیدها و محدودیت‌ها نیز مشخص شده‌اند مانند تبعید ممنوع است مگر به حکم قانون (مانند اصول بیستم (۲۰)، بیست‌ودوم (۲۲)، بیست‌وچهارم (۲۴)، بیست‌وپنجم (۲۵)، بیست‌وهفتم (۲۷)، سی‌وسوم (۳۳) قانون اساسی و...) مانع مهم تحقق اصول مذکور در این نکات است که:



۱. مرجع تشخیص قیود این اصول به‌صورت شفاف مشخص نیست. معلوم نیست که آیا دستگاه قضایی مسئولیت این امر را برعهده دارد یا دستگاه‌های اجرایی با صلاحدید و مصلحت مسئولان و مدیران، شروط را تشخیص می‌دهند.

۲. مانع دیگر تعبیر و تفسیرهای متفاوتی است که از این اصول می‌توان به‌عمل آورد.^(۱۷) چراکه این قیدها (مانند ... با رعایت موازین اسلامی، محل به مبانی اسلامی نباشد و...) بسیار کلی بوده و تا زمانی که مصادیق آن به‌طور واضح توسط مرجع مشخصی، بیان نشود می‌تواند مورد تفسیرهای متفاوت و حتی متضاد قرار گیرد.

دسته سوم: اصولی هستند که ناظر بر حقوق مشروط شهروندانند و اصل شرط در قانون لحاظ شده است. شروط اساسی در این دسته قوانین عبارتند از: «عدم اخلاق به مبانی اسلام، عدم نقض استقلال، آزادی و وحدت ملی و موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران».

مانع و چالش مهم تحقق این دسته از اصول قانون اساسی نیز، نامشخص بودن دستگاه‌های قانونی جهت تعیین حدود قانونی و کلی بودن شروطی است که قانونگذار در نظر گرفته است و این امر سبب ارائه تفاسیر متفاوت و گوناگونی از آنها خواهد شد.

بنابراین چنانچه مشاهده شد در هر سه دسته و بسیاری از قوانین مربوط به حقوق شهروندی، ابهاماتی وجود دارد که برای اجرای بهتر آنها باید شفاف‌سازی لازم صورت پذیرد. مثلاً «اعمال هرگونه خشونت و اهانت به متهم و هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع است». در این مورد می‌توان سؤالات زیر را مطرح کرد: مصادیق خشونت چیست؟ آیا خشونت شامل خشونت جسمی، لفظی و روحی می‌شود؟ چه مرجعی مصادیق آن را مشخص می‌سازد؟



۲. مغفول ماندن مسئولیت ریاست جمهوری در اجرای حقوق شهروندی

با توجه به اینکه حقوق شهروندی در اصول قانون اساسی پیش‌بینی شده است و اصل یک‌صد و سیزدهم (۱۱۳) قانون اساسی مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده رئیس‌جمهور گذاشته است، مسئولیت مراقبت از اجرای این حقوق و معطل و متروک ماندن آنها بر عهده وی است. قانون اساسی رئیس‌جمهور را نه صرفاً به‌عنوان رئیس یکی از قوای سه‌گانه، بلکه به‌عنوان بالاترین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری مسئول اجرای حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی دانسته است. بنابراین وی مکلف است تمام توان خود را در راستای مراعات کردن حقوق عامه مردم و شهروندان توسط مجریان و مسئولان دولتی و جلوگیری از نقض آن در هر یک از قوای سه‌گانه به‌کار گیرد و اجرای این امر منافاتی با اصل تفکیک قوا ندارد، زیرا قانون اساسی این وظیفه را نه به‌عنوان رئیس‌جمهور، بلکه به‌عنوان بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبری بر عهده وی گذاشته است.

به‌بیان دیگر اصل یک‌صد و سیزدهم (۱۱۳) قانون اساسی دو شأن برای ریاست‌جمهوری در عرض هم قائل شده است که عبارتند از بالاترین مقام رسمی کشور بعد از رهبری و ریاست قوه مجریه.

رئیس‌جمهور در شأن ریاست قوه مجریه در عرض رؤسای قوای مقننه و قضائیه قرار دارد و هر یک از قوا بر اساس استقلال و تفکیک قوای نسبی، وظایف خود را اجرا می‌کنند و نباید تداخلی در وظایف یکدیگر داشته باشند، ولی در شأن بالاترین مقام رسمی بعد از رهبری، رئیس‌جمهور به‌کار دو قوه نظارت دارد تا از اصول قانون اساسی تخطی نکنند.



شاید بتوان گفت از این منظر رئیس‌جمهور درجه نازل از رهبر است. از همین رو مسئولیت و اختیاری بالاتر از رؤسای دو قوه دیگر دارد که تبلور عمده آن در اجرای حقوق عامه و شهروندان و بازداري از ترک آن توسط هر یک از مقامات و مأموران دولتی است.

به‌نظر می‌رسد تاکنون این وظیفه رئیس‌جمهوری مغفول مانده است. در واقع مواد (۱۲) تا (۱۶) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری مصوب آبان ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی که تا حدودی راهکارهای عملی اجرای اصل یک‌صد و سیزدهم (۱۱۳) را بیان می‌کند، در اجرا و احیای حقوق شهروندی چندان به کار گرفته نشده‌اند. این مواد مسئولیت رئیس‌جمهوری را در اجرای اصل یک‌صد و سیزدهم (۱۱۳) قانون اینگونه اساسی بیان می‌کنند:

ماده (۱۳)

به‌منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی و در اجرای اصل یک‌صد و سیزدهم (۱۱۳) قانون اساسی، رئیس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیشگیری و بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد.

ماده (۱۴)

در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رئیس‌جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به‌نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند مراتب را به‌اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علت



توقف و عدم اجرا را خواستار شود، مقام مسئول موظف است پاسخ خود را مشروط و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس‌جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی و به تشخیص رئیس‌جمهور توقف و عدم اجرا ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوط و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوطه به نخست‌وزیر و وزرا باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌دهد و در غیراین صورت پرونده امر به مرجع صالح ارسال خواهد شد.

ماده (۱۵)

به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی رئیس‌جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد.

ماده (۱۶)

رئیس‌جمهور می‌تواند سالی یکبار آمار موارد توقف، عدم اجرا، نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذه تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند. به نظر می‌رسد این راهکارها در اجرا و احیای حقوق شهروندی تاکنون مغفول مانده و کمتر رئیس‌جمهوری در ایران بوده است که گزارش سالیانه‌ای از آمار توقف، نقض و تخلف از حقوق شهروندی را به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند یا به منظور اجرای صحیح این حقوق، اخطار یا تذکری را به قوای سه‌گانه بدهد و یا به جهت رفع عوارض ناشی از تخلف پرونده مربوطه (از جمله وزرا و مقامات عالی‌رتبه) را به مراجع صالح ارسال کند.



علاوه بر مغفول ماندن مسئولیت ریاست‌جمهوری در اجرای حقوق شهروندی و ابهامات یاد شده، موانع دیگری نیز وجود دارد از آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قوانین مذکور در جامعه نهادینه نشده‌اند و فرهنگ‌سازی لازم جهت اطلاع مردم از حقوق خود و ایجاد احساس نیاز به پیگیری حقوق شهروندی در مردم انجام نگرفته است، نظارت دقیق، فعال و پاسخگویی به حسن اجرای حقوق شهروندی و اطلاع‌رسانی کافی در این زمینه به مردم صورت نمی‌پذیرد و ...

راهکارهای رفع موانع احقاق حقوق شهروندی

پیش‌بینی حقوق شهروندی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز و تأکید مسئولین بلندپایه بر حسن اجرای آنها را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی ارزیابی کرد. اما نکته مهم، اجرای قانون در مرحله عمل از سوی دستگاه‌های اجرایی (دولت) و دستگاه‌های قضایی و انتظامی است. استیفای حقوق شهروندان سازوکار و ابزارهای خاص خود را می‌طلبد. به طوری که اولاً شهروندان از حقوق خود آگاه باشند، ثانیاً اگر حقی از آنها پایمال شد، بتوانند علیه مقامات اجرایی شکایات کنند و ثالثاً نظام قضایی نیز با استفاده از ابزارهای لازم، حقوق از دست رفته شهروندان را به آنها بازگرداند.

در راستای احقاق حقوق شهروندی و رفع موانع پیش‌رو می‌توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:



۱. توضیح و شفاف‌سازی

توضیح و شفاف‌سازی حقوق شهروندی، مشخص کردن حدود و ثغور شروط و قیدهایی که در آنها وجود دارد، تعیین مصادیق و رفع کامل ابهامات در آن و مشخص کردن مراجعی معین برای این منظور به طوری که امکان هرگونه اعمال سلیقه شخصی و ایجاد استثنا در راستای منافع خصوصی از بین برود، ضرورت دارد.

۲. فعال کردن مسئولیت ریاست‌جمهوری در اجرای حقوق شهروندی

برای فعال کردن مسئولیت ریاست‌جمهوری در اجرای حقوق شهروندی، باید مواد (۱۳) تا (۱۶) قانون تعیین حدود و وظایف ریاست‌جمهوری که در واقع راهکارهای عملی برای اصل یک‌صد و سی‌زدهم (۱۱۳) قانون اساسی است، عملاً اجرا گردند. بدین ترتیب لازم است اقدامات ذیل صورت گیرد:

- در نظر گرفتن یک نهاد یا سازمانی برای کشف و بازرسی: طبق ماده (۱۳) تعیین حدود و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری، رئیس‌جمهور می‌تواند در زمینه اجرای قانون اساسی کسب اطلاع کند، بر نحوه اجرای قانون نظارت کند و در صورت لزوم موضوع را پیگیری کند و هرگونه اقدام مقتضی را در این باره به انجام برساند. رئیس‌جمهوری برای اجرای این ماده می‌تواند نهاد یا سازمانی را ایجاد کند. ترتیب نظارت و بازرسی در قانون مشخص نشده و دست رئیس‌جمهور در این زمینه باز است.

- اجرای اقدام‌های لازم در صورت توقف یا اجرا نکردن اصول مربوط به حقوق شهروندی در قانون اساسی: در صورتی که در پی کسب اطلاع و بازرسی معلوم شود حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی به اجرا در نیامده، یا مورد



تجاوز قرار گرفته است، بنابر ماده (۱۴) قانون تعیین وظایف ریاست‌جمهوری، رئیس‌جمهور باید هرگونه اقدام لازم را برای جلوگیری و رفع عوارض و تبعات ناشی از آن معمول دارد. مثلاً خسارات متضرران تجاوز به حقوق شهروندی جبران شود و متجاوزین به این اصول از طریق مراجع صالح تحت پیگرد قرار گیرند.

- **اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه:** اخطار و تذکر از اقدام‌های دیگری است که بر طبق ماده (۱۵) قانون اختیارات، رئیس‌جمهور می‌تواند انجام دهد.

- **اعلام آمار موارد توقف، اجرا نکردن و یا نقض حقوق شهروندی:** رئیس‌جمهور می‌تواند موارد تخلف از این اصول مربوط به قانون اساسی را به وسیله هر یک از دستگاه‌ها و قوای حاکم و اجرا نکردن و معطل ماندن آن را به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند و یا اینکه در صورت تشخیص، به‌طور مستقیم به مردم گزارش دهد.

۳. نهادینه کردن حقوق شهروندی در جامعه

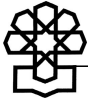
پس از رفع ابهامات و شفاف‌سازی شروط و قیود موجود در قوانین مربوط به حقوق شهروندی، باید زمینه‌های مطلع شدن تمام شهروندان از حقوق خود و از راه‌های قانونی برای بیان اعتراض و شکایت از پایمال شدن حقوق‌شان فراهم شود. برای این منظور باید اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و تبلیغات گسترده‌ای در جهت آگاهی‌بخشی شهروندان نسبت به کرامت‌های انسانی و حقوق خود، صورت پذیرد. در این راستا باید از تمام امکانات و ابزارهای موجود استفاده کرد. آموزش و تکرار حقوق شهروندی در تمام مقاطع سنی و سطوح تحصیلی می‌تواند گامی مؤثر در جهت نهادینه کردن این حقوق در ذهن افراد جامعه باشد. به‌علاوه رسانه‌ها، خصوصاً صدا



و سیما می‌تواند با استفاده از یک سلسله برنامه‌های دقیق و بلندمدت نقش بسیار مؤثری در فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن حقوق شهروندی در سطح جامعه ایفا کند. مقوله اعتقاد به قانون وقتی فراگیر شود و احترام به قانون نزد همه افراد نهادینه شود، آنگاه می‌توان امیدوار بود که حقوق شهروندی یا آنچه در متن قانون مورد بحث آمده، به‌دقت رعایت شود، به‌گونه‌ای که مجریان قانون با اشتیاق و بدون رنج و تعب و شهروندان با اعتقاد به اینکه حقوق یاد شده به‌طور جدی متعلق به آنان است، در پی اجرای کامل و صحیح آن باشند.

همه مردم باید بدانند که این حقوق از جانب خداوند به انسان اعطا شده و کسی از راه لطف و احسان آنها را به مردم نداده است. از این رو باید رعایت آنها را از مراجع اجرا و اعمال این حقوق با اصرار مطالبه کنند و چنانچه با مواردی از عدم رعایت قانون مواجه شدند، از راه‌های قانونی به‌شدت پیگیری کنند.

همان‌گونه که اراده عمومی جامعه و همه شهروندان در مرحله اجرا برای تحقق حقوق شهروندی مورد نیاز است، اراده مقامات و نهادهای رسمی حکومت نیز برای احترام به حقوق شهروندی و اجرای قوانین موجود در زمینه حقوق شهروندی ضروری و مورد نیاز است. این اراده هم باید در سطوح بالا دیده شود تا پایبندی به رعایت حقوق شهروندی به یک رفتار مدنی و عرف و هنجار رسمی تبدیل شود و هم در سطوح پایین اجرایی و مدیریت میانی و خرد که ارتباطات گسترده‌تری با جامعه داشته و تعامل روزانه با شهروندان برقرار است، آشکارا مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود.



۴. نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی

وابستگی و تعلق خاطر مردم به حقوق اساسی خود حائز اهمیت است، استعداد مردمی برای مقابله با اعمال فشارهای حکومتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده و مؤثری را برای حمایت از حقوق شهروندی داشته باشد. در این مورد پایداری و مقاومت افراد نسبت به حفظ حقوق خود، اولین گام متعهدانه یک جامعه به‌نظر می‌رسد. قوانین اساسی کشورها از جمله قانون اساسی ایران، بیان اعتراض مردم را در عناوین مختلف نظیر تشکله‌ها، اجتماعات و راهپیمایی‌ها به رسمیت شناخته‌اند، ضمن آنکه اصل هشتم (۸) قانون اساسی این وظیفه را تکلیفی اسلامی و همگانی قلمداد می‌کند.

مردم می‌توانند از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی، نیازها، خواسته‌ها و... خود را پیگیری کرده و اعتراضات و شکایات خود را به گوش مسئولین رسانده و در جهت احقاق حقوق خود اقدام کنند. از جمله این نهادها و سازمان‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احزاب، رسانه‌ها، کانون‌ها و انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و اتحادیه‌های مختلف (مانند انجمن حمایت از حقوق زنان، کودکان، ...، کانون وکلای دادگستری، اتحادیه کشاورزی و...)، رسانه‌ها و ...

برای مثال، طبق اصل سی‌وپنجم (۳۵) قانون اساسی که به «حق انتخاب وکیل» اشاره دارد و متذکر شده است که اگر فردی توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشد باید امکانات تعیین وکیل برای وی فراهم گردد، لذا دولت باید اطمینان حاصل کند که روش‌های کارا و سازوکار مناسبی برای دسترسی مؤثر و مساوی به وکلا برای کلیه افراد جامعه بدون تبعیض از هر لحظه مثل نژاد، رنگ، مذهب، عقاید سیاسی و... فراهم شده است. دولت‌ها و کانون‌های حرفه‌ای وکلا باید طی برنامه‌هایی درباره حقوق و



تكاليف وكلا و خدماتی كه این كانون‌ها می‌توانند انجام دهند، اطلاع‌رسانی كرده و ظرفیت این كانون‌ها را در گسترش حقوق شهروندی مشخص كنند. چراكه حق دفاع و دسترسی به وکیل از شرایط اساسی هر محاكمه عادلانه است و وکیل دادگستری به‌عنوان متخصص در زمینه‌های حقوقی، شرط لازم برای تضمین اجرای عدالت در نظام قضایی خواهد بود.

در این زمینه نگاه مسئولین به نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی باید اصلاح شده و به‌جای اینکه به دیده مزاحم به این نهادها نگریسته شود، اقدامات لازم در جهت فعال‌تر شدن نهادها و سازمان‌ها در جامعه به‌عمل آید و از آنها به‌عنوان یکی از ابزارها و عوامل اصلی نهادینه شدن و تقویت حقوق شهروندی یاد شود.

۵. ایجاد نظام کنترلی دقیق و اصلاح مسیر رسیدگی به پرونده‌ها و دادرسی‌ها

نظام قضایی باید زمینه‌های لازم تحقق اجرای حقوق شهروندی را در تمام ابعاد فراهم كند و مدعی‌العموم دغدغه آن را داشته باشد كه حقوق شهروندان پایمال نشود. تاکنون فعالیت‌های قابل توجهی توسط دولت، مجلس و قوه قضائیه در راستای تحقق حقوق شهروندی در سطح جامعه صورت گرفته است، ولی با وجود این همچنان شاهد نارسایی‌ها و مشکلاتی در سطح جامعه در باب حقوق شهروندی هستیم. به‌نظر می‌رسد مشکلات اصلی در این زمینه، عدم نظارت دقیق و کارآمد در مرحله اجرای حقوق و طولانی و پرهزینه بودن مسیر رسیدگی به پرونده است.

حکومت و نظام قضایی نباید تخلفات و اقدامات سلیقه‌ای هیچ مأمور و مقامی را نادیده بگیرد، بلکه نظارت‌ها و پیگیری تخلفات باید در تمامی سطوح به‌شدت انجام گرفته



و با متخلفان برخورد جدی صورت پذیرد. چراكه هر نوع عملکردی برخلاف آن، موجب می‌شود كه اعتماد عمومی به دستگاه‌ها و نهادهای حكومت تضعیف شده و درصورت تداوم روند موجود، اعتماد از میان رفته و افراد به این فكر افتند كه حقوق حقه خود را شخصاً و با ابزارهای دیگری استیفا كنند. همچنین کسانی تلاش می‌كنند از این وضعیت به‌عنوان يك فرصت و كسب‌وکار سوءاستفاده كنند و مجموع این مسائل در بلندمدت موجبات اشاعه فساد اداری و مالی و نارضایتی را فراهم می‌آورد.

برای نظارت دقیق به این موارد، نظام قضایی باید مکانیسم‌های کارآمدی را طراحی كند به‌عنوان مثال باید «ناظران فعالی به‌طور مستمر و سرزده (و گاهی مخفیانه) در بسیاری از پرونده‌ها و بازداشتگاه‌ها حاضر شوند و امکان دسترسی شاکیان و متهمان به بازرسان را آسان سازند.^(۸) علاوه‌بر مسئله نظارت، مسئله مهم دیگری كه از موانع مهم احقاق حقوق به‌شمار می‌رود مسیر طولانی، دشوار و پرهزینه رسیدگی به پرونده‌هاست به‌طوری كه شهروندان برای پیگیری كوچك‌ترین حقوق پایمال شده خود باید وقت، انرژی و هزینه بسیاری را صرف كنند. سهل‌الوصول كردن و کوتاه كردن مسیر دادخواهی از جمله مواردی است كه افراد جامعه به آن احساس نیاز كرده و از دغدغه‌ها و تقاضاهای جدی مردم به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای احیای حقوق شهروندی در برنامه

پنج‌م توسعه کشور

برای اداره مطلوب کشور باید به اصولی مانند اجرای قانون، شفافیت پاسخگویی در



اداره امور عمومی، احترام به حقوق شهروندی، مشارکت همه شهروندان در تصمیمات مؤثر در زندگی آنها و... توجه ویژه صورت پذیرد. مجموع بحث‌هایی که مطرح شد، نشانگر این است که حقوق شهروندی از مقولات مهم حقوقی است که در قانون اساسی کشور ما نیز به این بحث مهم پرداخته شده است. اما در عمل و اجرا با وجود تلاش‌هایی که صورت گرفته، کماکان موانعی وجود دارند که در مسیر احیای کامل حقوق شهروندی در کشور مشکلاتی را به وجود آورده‌اند. موانعی مانند وجود ابهامات و قیودی در متن قوانین که سبب برخوردهای سلیقه‌ای و تفسیرهای متفاوت از قوانین شده‌اند، مغفول ماندن مسئولیت ریاست‌جمهوری در اجرای حقوق شهروندی، عدم نهادینه شدن، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی کافی در جامعه، نبود نظارت مستمر، دقیق، فعال و پاسخگو در این زمینه و امثال اینها از آن جمله‌اند. البته باید توجه داشت که با استفاده از راهکارهای مناسب می‌توان در راه رفع موانع مطرح شده گام‌های اساسی برداشت.

در این رابطه توصیه می‌شود ماده‌ای به شرح زیر در فصل هفتم برنامه پنجم توسعه ذیل عنوان سیاسی - امنیتی گنجانده شود. قوای سه‌گانه مکلف به ارتقاء حقوق شهروندی از طریق روش‌های زیر هستند:

۱. ایجاد تشکیلاتی برای حقوق شهروندی در قوه مجریه

تشکیلاتی نظیر معاونت ریاست‌جمهوری وظیفه اجرای اصل یک‌صد و سیزدهم (۱۱۳) قانون اساسی در رابطه با حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی را می‌تواند عهده‌دار شود. این سازمان وظیفه خواهد داشت تمام توان خود را در راستای مراعات کردن حقوق مردم و شهروندان توسط مجریان و مسئولان دولتی به‌کار گیرد و مانع



از نقض آنها در هر یک از قوای سه‌گانه شود. در این رابطه می‌تواند مواد (۱۳) تا (۱۶) قانون تعیین حدود وظایف ریاست‌جمهوری را در احقاق حقوق شهروندی به‌کار بندد که این موارد دربرگیرنده اقدامات ذیل‌اند:

الف) نظارت بر نحوه عمل قوای سه‌گانه در اجرای حقوق شهروندی.

ب) ارائه گزارش تخلفات سازمان و نهادهای قوای سه‌گانه به حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی به بالاترین مقام مسئول و پیگیری علت توقف و عدم اجرای آنها.

ج) ارسال پرونده تخلفات مسئولین حکومتی به مراجع صالح.

د) اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه در اجرای حقوق شهروندی از طریق رئیس جمهوری.

ر) ارائه گزارش سالیانه توقف، عدم اجرا، نقض و تخلف از حقوق شهروندی به مجلس شورای اسلامی و مردم.

۲. ایجاد تشکیلات قضایی ویژه برای رسیدگی به این نوع جرائم و تخلفات

برای فراهم کردن زمینه‌های تحقق اجرای حقوق شهروندی در نظام قضایی لازم است تشکیلات قضایی ویژه‌ای برای رسیدگی به این نوع جرائم و تخلفات ایجاد گردد. به نظر می‌رسد طرح تشکیل سازمان احیای حقوق شهروندی که توسط دادستان کل کشور در حال تدوین است، می‌تواند به این امر کمک کند.

۳. شفاف سازی قوانین مربوط به حقوق شهروندی

بسیار از قوانین مربوط به حقوق شهروندی به جهت کلی بودن شروطی که قانونگذار



در نظر گرفته و همچنین نامشخص بودن دستگاه‌های قانونی جهت تعیین حدود قانونی دارای ابهام می‌باشد. این ابهامات در هنگام اجرا موجب تفاسیر متفاوت و گوناگون از آنها می‌شود. از این رو لازم است شفاف‌سازی لازم در این موارد صورت گیرد.

۴. فرهنگ‌سازی، اطلاع‌سازی و آموزش حقوق شهروندی از طریق مراکز آموزشی و رسانه ملی

باید زمینه‌های مطلع شدن تمام شهروندان از حقوق خود و راه‌های قانونی برای بیان اعتراض و شکایت از پایمال شدن حقوق‌شان فراهم شود. برای این منظور باید اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و تبلیغات گسترده‌ای در جهت آگاهی‌بخشی شهروندان نسبت به کرامت‌های انسانی و حقوق خود صورت پذیرد. در این راستا باید از تمام امکانات و ابزارهای موجود استفاده کرد. آموزش و تکرار حقوق شهروندی در تمام مقاطع سنی و سطوح تحصیلی می‌تواند گاهی مؤثر در جهت نهادینه کردن این حقوق در ذهن افراد جامعه باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مرادی، علی. مبانی حقوق شهروندی در اسلام، سایت آینده روشن، ۱۳۸۷/۱۲/۱۱.
۲. صالحیان، تاج‌الدین. حقوق شهروندی، ۱۳۸۵/۶/۱۴.
۳. اسماعیلی، رضا. انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ اصفهان، ش ۲۲، ۱۳۸۰.
۴. حقیقی، ابراهیم. حقوق شهروندی.
۵. مرادی، علی. پیشین.



۶. همان.

۷. طرح تشکیل سازمان احیای حقوق شهروندی تدوین شده، اقبال، ۱۳۸۴/۳/۱۷ (نماینه).

۸. ساکت نالکیاشری، محمد و مهدی ساکت نالکیاشری. امر قدسی و مبانی نظری حقوق شهروندی از دیدگاه سنت، سایت حقوق دانان.

۹. حقیقی، ابراهیم. پیشین، ص ۴.

۱۰. بندرچی، محمدرضا. حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران، نشریه دادرسی، ش ۴۷، ص ۹، ۱۳۸۳.

۱۱. همان، ص ۱۰.

۱۲. همان.

۱۳. نجفی‌استاد، مرتضی و فرید محسنی. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، المهدی، ۱۳۸۲، صص ۴۵۹-۴۶۰.

۱۴. همان، ص ۱۲، اصل یک‌صد و بیست و دوم (۱۲۲) قانون اساسی.

۱۵. اسماعیلی، رضا. پیشین، ص ۱۱۱.

۱۶. همان.

۱۷. امیر ابراهیمی، روزبه. گامی برای احقاق حقوق شهروندان، اجرای دقیق قانون، نشریه توسعه، ۱۳۸۳/۱/۸.

۱۸. شاه‌رخ، حسین. حقوق شهروندی و کاهش جرائم، اصلاح و تربیت، سال چهارم، شماره ۴۷، ۱۳۸۴، ص ۳۰-۳۱.

منابع و مأخذ

۱. مرادی، علی. مبانی حقوق شهروندی در اسلام، سایت آینده روشن، ۱۳۸۷/۱۲/۱۱.
۲. صالحیان، تاج‌الدین. حقوق شهروندی، ۱۳۸۵/۶/۱۴.
۳. اسماعیلی، رضا. انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲، ۱۳۸۰.



۴. طرح تشکیل سازمان احیای حقوق شهروندی تدوین شده، اقبال، ۱۳۸۴/۳/۱۷ (نماینه).
۵. ساکت نالکباشری، محمد و مهدی ساکت نالکباشری. امر قدسی و مبانی نظری حقوق شهروندی از دیدگاه سنت، سایت حقوق دانان.
۶. بندرچی، محمدرضا. حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران، نشریه دادرسی، شماره ۴۷، ۱۳۸۳.
۷. نجفی‌استاد، مرتضی و فرید محسنی. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، المهدی، ۱۳۸۲.
۸. امیر ابراهیمی، روزبه. گامی برای احقاق حقوق شهروندان، اجرای دقیق قانون، نشریه توسعه، ۱۳۸۳/۱/۸.
۹. شاه‌رخ، حسین. حقوق شهروندی و کاهش جرائم، اصلاح و تربیت، سال چهارم، شماره ۴۷، ۱۳۸۴.



شماره مسلسل: ۹۸۶۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ۲۵. حقوق شهروندی و ارتقای آن در برنامه پنجم توسعه کشور (ویرایش دوم)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: طاهره مهرورزیان، محمدرضا شمس

ناظر علمی: ابوذر گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق شهروندی

۲. قانون اساسی

۳. حقوق سیاسی - اجتماعی و فرهنگی

۴. حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی

۵. حقوق قضایی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۸/۱۹